**پرسشی انکاری غیر از پرسشی تأکیدی است.**

برخی بین پرسشی انکاری با پرسشی تأکیدی تفاوتی نمی دانند ولیکن این دو با هم متفاوتند:

**پرسشی انکاری، سوالی ،که پرسنده جواب را می داند و نیازی به پاسخ گویی نیست و جواب آن منفی است همراه با هرگز و اصلاً و.....**

**مثال:**

 از دست و زبان که برآید/کز عهده ی شکرش به در آید؟(هرگز از دست کسی برنمی­آید که....)

حـافـظـا تـکـیه بر ایام چو سهو است و خطا مـن چـرا عـشـرت امـروز بـه فـردا فـکـنـم(هرگز نباید عشرت امروز را .....)

**اما پرسشی تأکیدی سوال منفی است که در جواب آن مثبت و با حتماً و قطعاً می آید و برای حتمیت وقوع است:**

**مثال:**

نـوح و مـوسـی را نـه دریـا یـار شد ؟ نـه بـر اعـداشـان بـه کـیـن قـهار شد؟(قطعاًنوح و موسی را دریا یار شد و حتما بر اعداشان قهارشد)

نه تو پیوند دل من بودی؟ نه ز هستی حاصل من بودی؟ نه چراغ محفل من بودی؟ چه کنم شور عجبی دارم(حتماً تو چراغ محفل من و ز هستی حاصل من و پیوند دل من بودی)

سـعـدیـا بـا تـو نـگـفـتـم که مرو در پی دل؟ نـروم بـاز گـر ایـن بـار کـه رفـتـم جـسـتم( ای سعدی حتما به تو گفتم که پی دل مرو...)

1. **کدام گزینه استفهام انکاری ندارد؟**

1-تو شبی در انتظاری ننشسته‌ای چه دانی؟ که چه شب گذشت بر منتظران ناشکیبت

2-فـلـک آواره بـه هـر سـو کـشدم می‌دانی؟ رشـک مـی‌آیدش از صحبت جان­پرور ما

3-خیالش در نظر چون آیدم خواب نشاید در به روی دوستان بست

4-فـرشـتـه عـشـق نداند که چیست ای ساقی بـخـواه جـام و گـلـابـی بـه خـاک آدم ریز 4

1. **کدام گزینه استفهام انکاری دارد؟**

1-گـلـبـن عـیـش مـی‌دمـد سـاقـی گـلـعـذار کـو بــاد بــهــار مــی‌وزد بــاده خــوشـگـوار کـو

2-هـر گـل نـو ز گـلـرخـی یـاد هـمـی‌کـنـد ولی گـوش سـخـن شـنـو کـجـا دیـده اعـتـبـار کـو 2

3-مـجـلـس بـزم عـیـش را غـالـیـه مـراد نـیـست ای دم صـبـح خـوش نـفـس نـافـه زلف یار کو

4-حـسـن فـروشـی گـلـم نـیـسـت تحمل ای صبا دسـت زدم بـه خـون دل بـهـر خـدا نـگـار کـو

1. **کدام گزینه استفهام انکاری ندارد؟**

1-در گـردش سـاغر تعلل تا به چند دور چـون بـا عـاشقان افتد تسلسل بایدش

2-جـز فـلـاطـون خـم نشین شراب سـر حـکـمـت بـه ما که گوید باز

3-حـال خـونـیـن دلـان که گوید باز و از فـلـک خون خم که جوید باز

4-چرا حافظ چو می‌ترسیدی از هجر نــکــردی شـکـر ایـام وصـالـش 4

1. **در چند بیت استفهام انکاری وجود دارد؟**

مرغ کم حوصله را گو غم خود خور که بر او رحـم آن کـس کـه نـهد دام چه خواهد بودن

بـاده خـور غـم مـخـور و پـنـد مقلد منیوش اعــتــبـار سـخـن عـام چـه خـواهـد بـودن

پـیـر مـیـخـانـه هـمـی‌خـواند معمایی دوش از خـط جـام کـه فـرجـام چـه خـواهد بودن

دسـت رنـج تو همان به که شود صرف به کام دانـی آخـر کـه بـه نـاکـام چـه خـواهد بودن

بـردم از ره دل حـافظ به دف و چنگ و غزل تــا جـزای مـن بـدنـام چـه خـواهـد بـودن

1-دو 2-سه 3-چهار 4-پنج 2

1. **کدام گزینه استفهام انکاری ندارد؟**

1-به غیر از آن که بشد دین و دانش از دستم بـیـا بـگـو کـه ز عشقت چه طرف بربستم

2-دانـی کـه چـیـسـت دولـت دیـدار یار دیدن در کـوی او گـدایـی بـر خـسـروی گـزیدن 2

3-چــگــونــه بـاز کـنـم بـال در هـوای وصـال کــه ریـخـت مـرغ دلـم پـر در آشـیـان فـراق

4-ابـروی دوسـت کی شود دست کش خیال من کـس نـزده‌ست از این کمان تیر مراد بر هدف

1. **کدام گزینه استفهام انکاری ندارد؟**

1-بـدیـن شـکـسـتـه بـیت الحزن که می‌آرد نــشـان یـوسـف دل از چـه زنـخـدانـش 1

2- ماه است رخت یا روز؟ مشک است خطت یا شب؟ سـیـم اسـت بـرت یا عاج؟ سنگ است دلت یا رو؟

3-قضا به تلخی و شیرینی ای پسر رفته­ است تو گر ترش بنشینی قضا چه غم دارد؟

4-شب ظلمت و بیابان به کجا توان رسیدن مگر آن که شمع رویت به رهم چراغ دارد

1. **کدام گزینه استفهام انکاری ندارد؟**

1-اگر به رنگ عقیقی شد اشک من چه عجب کـه مـهـر خـاتم لعل تو هست همچو عقیق

2-صــبــا بــه مـقـدم گـل راح روح بـخـشـد بـاز کـجـاسـت بـلـبـل خـوشـگوی؟ گو برآر آواز!

3-مرا چگونه بود تاب آشنایی خلق؟ که چون رهی دل از خود رمیده ای دارم

4-خـیـال حـوصـلـه بـحـر مـی‌پـزد هیهات چـه‌هـاست در سر این قطره محال اندیش 4

1. **کدام گزینه استفهام انکاری ندارد؟**

1-دلم از پرده بشد حافظ خوشگوی کجاست تـا بـه قـول و غـزلـش سـاز نـوایـی بکنیم 1

2- گر جان بدهد سنگ سیه لعل نگردد با طینت اصلی چه کند؟ بدگهر افتاد

3-بگفت از عشق کارت سخت زار است بگفت از عاشقی خوشتر چه کار است؟

4-دانی که چون همی‌گذرانیم روزگار؟ روزی که بی تو می‌گذرد روز محشر است